

گلدستانه از این شماره معرفی نوازندگان برجسته موسیقی امروز را آغاز می‌کند.

نخستین شان اینگوی یوهان
مالمستین کیتار است مشهور سوئدی است.



اینگوی یوهان مالمستین

www.yngwie.org

گردآوری و ترجمه علیرضا عشقی

al-eshtaqi@yahoo.com

سالنمار زندگی هنری

۱۹۸۲: سفر به آمریکا، نوازندگی در گروه‌های Rising و Alcatraz و تشکیل گروه Steeler
۱۹۸۸: آلبوم Odyseey با خوانندگی Lynn Force نامزدی جایزه Grammy.

۱۹۸۶ و ۱۹۸۵: انتشار آلبوم‌های Marching out و Trilogly.

۱۹۸۷: آسیب دیدگی مغزی و اعصاب حرکتی دست در اثر تصادف، مرگ مادرش

۱۹۸۸: انتشار آلبوم Odyseey با خوانندگی Lynn Force خواننده سابق Rainbow

۱۹۸۹: برگزاری کنسرت در مسکو، فروپاشی گروه Rising Force

۱۹۹۰: انتشار آلبوم Eclipse

۱۹۹۲: انتشار آلبوم Fire & Ice درگذشت Nigel Thomas مدیر برنامه‌هایش.

۱۹۹۳ و ۱۹۹۴: تشکیل گروه جدید و انتشار آلبوم Seventh Sign و Power & Glory

۱۹۹۵: انتشار آلبوم Magnum Opus، تور ژاپن و تور اروپا

۱۹۹۶: انتشار آلبوم Inspiration که اجرای ترانه‌های گروه‌های صلح متبع آلهامش

۱۹۹۷: ساخت کنسرتو سویت برای گیتار برقی و ارکستر در مپل، ایلوس ۱، انتشار آلبوم Facing the Animal

به همراه Cozy Powell نوازنده درام سابق Rainbow و Black Sabbath

۱۹۹۸: انتشار کنسرتو سویت: تولد نخستین فرزند، درگذشت Cozy Powell در اثر سانحه رانندگی.

۱۹۹۹: انتشار آلبوم Alchemy

۲۰۰۰: انتشار آلبوم War to end all wars
۲۰۰۱: اجرای کنسرتو سویت به همراه ارکستر فیلارمونیک ژاپن

می‌توان دید

در سرتاسر زندگی او عینی همه‌جانبه موج می‌زده است. او در ده سالگی مدرسه را ترک کرد تا فقط بتواند گیتار بنوازد، سومین کشف او در همین دوره است. نیکولو پآگانینی Niccolo Paganini نوازندهٔ چیره‌دست و اهل‌نگار ایتالیایی قرن نوزدهمی که پیوند از دست‌وفته بین ساختار رسمی موسیقی کلاسیک و اجراهای بی‌رزق و بربق هندریکس را برایش از نو ایجاد کرد. بدین‌وسیله او فهمید که چگونه عشقش به موسیقی کلاسیک را با مهارت در حال رضش در نوازندگی گیتار و جذب هیروی صحنه پیوند زند

او در پانزده سالگی در دوره‌ای که به‌عنوان تعمیرکار و سازندهٔ سازهای زهی در یک مغازه کار می‌کرد با یک لوت قرن هفدهمی رویه‌رو شد که دارای دسته‌یی بود که سطح قوس‌دار آن به سمت پایین‌تر کشیده شده بود. او پس از دیدن این ساز دسته یک گیتار را به این شکل درآورد و از آن پس این شکل دائمی سلاهایش شد.

در هجده سالگی پس از تشکیل چندین گروه و اجرای اهنگ‌های گروه‌هایی چون Deep Purple، به همراه چندتن از دوستانش گروه Rising Force را تشکیل داد و با آن‌ها چندین آهنگ ضبط کرد که در سوئد اصلاً مورد توجه قرار نگرفت. او تصمیم به ترک سوئد گرفت. پس تعدادی از اهنگ‌هایش را برای شرکت‌های ضبط فرستاد که از طرف شرکت Shrapnel Music برای نوازندگی گیتار در گروه Steeler شد.

اینگوی یوهان مالمستین Yngwie Johann Malmsteen را بطور گیتار می‌نامند در حالی که سن‌اش هنوز به چهل سال نرسیده است. این سوئدی دراز و باریک با موهای زولیده و نگاه صریح، ۳۰ ژوئن ۱۹۶۲ به دنیا آمده و تولدش را روزی می‌داند که جیمی هندریکس Jimi Hendrix گیتاریست افسانه‌ی جهان درگذشت. ۱۸ سپتامبر ۱۹۷۰ وقتی که تلویزیون سوئد ویژه‌برنامه‌ی دربارهٔ مرگ هندریکس پخش می‌کرد اینگوی هفت ساله مردی در دید که با دندان گیتار می‌زد و در آخر گیتار را در آتش قربانی کرد. او بعدها در مصاحبه‌یی در پاسخ این‌که شما بهترین گیتاریست کنونی دنیا هستید گفت: «خیر، این‌طور نیست، من هنوز نمی‌توانم با دندان گیتار بزنم» به این ترتیب در هفت سالگی درون اینگوی آتشی روشن شد که هنوز شعله‌ور است. او گیتاری را که از مادرش در پنج سالگی هدیه گرفته بود و به دیوار آویزان کرده بود برداشت و شبانه روز فقط نواخت.

پس از هندریکس، دومین کشف اینگوی جوان ریچی بلک‌مور Ritchie Blackmore گیتاریست نابغهٔ گروه دیپ پورپل Deep Purple بود که درجه‌های جدیدی را برابزش گشود. نوازندگی متأثر از آثار کلاسیک بلک‌مور به کمک خواهرش، که او هم اهل موسیقی بود، او را به سرچشمه‌ای اصلی موسیقی سوق داده باخ، ووالدی، موزارت، به‌ویژه، هنوز هم در قسمت تشکرهای ویژهٔ دفترچه‌های CD آلبوم‌هایش نام این‌ها را در کنار نام هندریکس و بلک‌مور و البته خواهرش، آن لویییز Ann Louis

کردم. او به استودیوی من آمد و عالی نوازندگی او بسیار خوب پیش رفت و از او خواستم به ایده‌های من برای قطعات ارکسترال گوش دهد. پس از این که آن‌ها را برایش نشان دادم گفت او کسی است که می‌تواند آن‌ها را بازبویس کند. او آن‌ها را برای تمام سازها و choir نوشت و یک نسخه سینتی‌سایزری ضبط کرد و من تمام قطعات گیتار را دوباره ضبط کردم، و خوب از کار درآید.

مرحله بعدی پیدا کردن یک رهبر و یک ارکستر خوب بود. به نظر می‌رسد در حیطه موسیقی کلاسیک، اکثر رهبرها و ارکسترهای خوب سال‌ها در

وضعیتی متروکی و بی‌شرفته بی‌کم و کاست پی‌یرا می‌مانند. هنگامی که در یک تور یوئل لوی Yoel Levi رهبر ارکستر سمفونی آنلانتا را ملاقات کردم. به نمودی قطعات من گوش کرد و به شدت تحت تأثیر قرار گرفت. او یوازندگی من را از طریق پسرش سایس ساخت و برای این پروژه بسیار مشتاق و علاقمند بود.

در ژوئن ۱۹۹۷، سوار هواپیما شدم به شهر زیبای براگ برپور کردم تا تمرین برای اجرا و ضبط را آغاز کنم. Pony Canyon شرکت ضبط و توزیع ژاپنی‌ام، رابطه نزدیکی با ارکستر فیلارمونیک چک

داشت. پس از گفت‌وگو با تعداد زیادی ارکستر دیگر، تصمیم گرفتم ترکیبی از نوازندگان، سالن کنسرت (کنسرت هال)، و تسهیلات ضبط با کیفیت بالا گردآوریم تا بتوانند نیازهای ما را به بهترین شکل برآورده سازد.

ضبط موقعیت بی‌نظیری برای من، ارکستر و مهندسین بود. همه چیز عالی پیش رفت. پس از پایان ضبط ارکستر، به میامی Miami برگشتم تا قسمتهای مختلف را ضبط کنیم و آلبوم را میکس کنیم، نتیجه کار وحشیانه‌ترین آرزوهایم را فرا برد رویایم درست از آب درآمد. □

انتشار دومین آلبوم Coldplay

آلبوم نخست گروه Coldplay (گلدستاه شماره ۲۰۰۰) با نام Parachutes موفقیتی باورنکردنی برایشان به ارمغان آورد. این آلبوم چهاردهمین آلبوم انجمنیو سال ۲۰۰۲ Grammy را از آن خود کرد و دومین اثر گروه همین ماه (جولای) به بازار عرضه خواهد شد. ماه گذشته نخستین تک‌ترانه از آلبوم با نام In My Place منتشر شد.

BBC مصاحبه کوتاهی با Coldplay در مورد انتشار دومین آلبوم گروه ترتیب داده که می‌خوانیم:

آلبوم را می‌به اتمام رساندند؟

Chris: آه، آیا واقعاً هیچ وقت تمام می‌شود؟

از زمانی که آلبوم را تمام کردید به چه کاری مشغول بودید؟

Chris: مثل میمون تمرین می‌کردیم.

میمون‌ها چه طور تمرین می‌کنند؟

Chris: خیلی سخت.

برای اجراهاست؟

Chris: برای... کی اجرا داریم؟

Jonny: چهارشنبه.

تور امریکایی برگزار می‌شود؟

Jonny: فکر می‌کنم در ماه اگوست.

در آلبوم جدید چه قدر گیتار آگوستیک و چه قدر

گیتار برقی وجود دارد؟

Jonny: مقداری برقی و مقداری آگوستیک.

Chris: یادمان نمی‌آید ولی ما آگوستیک را دوامده کردیم.

فستیوال Glastonbury را پیش رو دارید. آیا

آخرین بار روی سن تکفیفی که طرف یک یا دو سال دوباره تیترو اول روزنامه‌ها می‌شود؟

Chris: واقعاً ما این‌رو گفتیم؟ دلیل این‌که این قدر دوستانه برخورد کردیم این بود که فراموش کرده

بودیم که اجرای بعدی ما Glastonbury است. ما درحال لذت بردن از این آخرین هفته‌های پیش

از جمع کردن صحنه هستیم. برای این است که ما ماه‌ها تمرین می‌کردیم. به‌تازگی چیزی که در ۱۰

ماه گذشته فکر می‌کردیم همین بود توی

اتومبیل با Michael Eavis بودیم. در Pilton

Fete اجرا داشتیم. او و همسرش جلو نشسته

بودند و او گفت من برای Glastonbury درحال برنامه‌ریزی هستیم شما هم می‌خواهید شرکت

کنید؟ و از آن موقع مشغول آماده کردن خود هستیم چون نفی خواهیم چیزی کمتر از خوب

باشیم.

حداقل یک ضرب‌الاجل برای اتمام آلبوم بود! چون

ممکن بود شما هنوز اون تو می‌ماندید.

Chris: اون زمان که به دیدن ما آمدی، بسیار

اشفته بودیم.

بسیاری از مردم می‌گویند که پس از موفقیت آلبوم

اول شما آلبوم جدید را تنها برای خودتان کار

کردهاید. چون دیگر چندان مهم نیست، درسته؟

Chris از تمام چیزهای این دنیا مهم‌تره. از زمانی

که فهمیدیم تمام چیزها را برای اثبات خود در اختیار داریم. ما این شانس را به دست آوردیم و

هیچ وقت دیگر چنین شانس می‌به ما رو نخواهد آورد. ما می‌توانستیم که به دام کوکاکین بفتیم و

محو شویم یا این‌که خوب بشویم. سعی کردیم که خوب باشیم تمام وقت کار می‌کردیم. درس‌های

خوالتدگی می‌گرفتم. Jonny ۱۵ مدت جدید گیتارنوازی آموخت. پس ما نمی‌خواستیم که این

موقعیت را هدر بدهیم.

آیا از همان زمان که روی آلبوم کار می‌کردید، قرار بود همین قطعه به عنوان تک‌ترانه بیرون بیاید؟

Jonny: یک جورهایی فکرش را کرده بودیم.

Chris: سخت‌ترین کاری که کردیم بود. جالبه

چون مدت قطعه سه دقیقه‌ایم بود و ما بی‌اغراق

بیش از ۲۰۰ ساعت روی آن کار کردیم. زمان

بسیار زیادی صرفش کردیم چون ابتدا آن‌را

خیلی آهسته زدیم، بعد خیلی سریع بعد خیلی

پرخاشگرانه.

مثل Papa Roach صدا داد بعد مثل Will

Young. از تمامی شکل‌های ممکن موسیقی

گذر کرد. بعد کاری کردیم که مثل Coldplay

صدا دهد و بعد آن‌را منتشر کردیم.

آیا این نمونه‌ای از آلبوم است؟

Chris: تنها نمونه Will (درامر) است که عالی

شده اولین قطعه است که پس از مدت‌ها با فرام

آغاز می‌شود. □